

هادی محمدی: پنج مفهوم راهبردی در آزادی حلب



پیروزی بزرگ در حلب، تولیدکننده مفاهیم مختلفی است که در عرصه‌های راهبردی پیامدهای خود را به جای می‌گذارد. در بین این مفاهیم، حداقل پنج مفهوم راهبردی از آزادی حلب و شکست پروژه تروریستی در سوریه تولید می‌شود.

آران نیوز؛ هادی محمدی: تروریسم جهانی در سوریه که از حدود یکصد کشور جهان با مدیریت سرویس‌های اطلاعاتی غربی و عربی و ترکیه ساماندهی شده و آموزش دیدند و مورد حمایت مالی و پزشکی و رسانه‌ای و حقوقی و سیاسی قرار گرفتند، برای به نتیجه رساندن یک پروژه حیاتی و مورد نیاز غربی، از هیچ تلاش و جنایت و فریبکاری و ارائه تصویر وارونه از حقایق دریغ نکردند.

این رقبای وحشیانه با ابزار تروریسم تکفیری همه خطوط قرمزها را زیر پا گذاشت و وجاهت باقیمانده سازمان ملل را نیز در آن هزینه کرد تا پیاده نظام پروژه غربی در سوریه، دل گرم باشد. این سراب این روزها در حلب محو شد و همه بازیگران حامی را نگران کرد. امروز تمامی مقامات آمریکایی، آلمانی، فرانسوی، انگلیسی، اسرائیلی، ترک و ارتجاع عرب و خام‌های اسرائیلی و علمای وهابی دست به کار شده و برای توقف این روند که نماد آن آزادسازی حلب است و به زودی در بقیه مناطق اشغال شده تروریسم هم اجرا می‌شود، دست به دعا برداشته و برای آن تلاش جدید می‌کنند. دمیستورا از تکرار سناریوی حلب در ادلب از هم‌اکنون دل مشغول است و ماشین رسانه‌ای و مواضع رسمی حامیان تروریسم در سوریه، تروریست‌ها را شهروندان حلب می‌نامند و تصویری مظلومانه از مجرمان تکفیری که هزاران نفر را در حلب و بقیه مناطق سوریه، اعدام خیابانی وحشیانه کرده و سر بریده‌اند و به آتش کشیده‌اند و با جدیدترین روش‌های ضدانسانی کشتار کرده‌اند، ارائه می‌دهند.

بقیه اهالی شهرها و روستاهای سوریه از نگاه این حامیان تروریسم و سازمان ملل انسان نیستند. حتی اگر در فوعه و کفریا زیر خمپاره‌باران و موشک‌باران القاعده‌ای‌ها جان بدهند و محاصره باشند و از فقدان پزشک و غذا جان بدهند. کمی آن طرف‌تر در یمن، در هر دقیقه یک کودک یمنی به دلیل محاصره هوایی و زمینی و دریایی و بمباران روزانه آل سعود، جان می‌دهند ولی شورای امنیت و سازمان ملل و غرب وحشی و ترکیه اخوانی و ارتجاع عرب تکفیری پرور آنها را انسان و دلیلی برای حمایت نمی‌دانند!

آزادسازی حلب و فروپاشی هزاران تروریست در 35 گروه رنگارنگ که حداقل نیمی از آنها کشته و زخمی شده‌اند، آغاز روندهای جدید سیاسی و امنیتی و نظامی است که ابتکار عمل در دست حامیان تروریسم نمی‌باشد و فقدان راهبردی، آنها را به عکس‌العمل‌های انفجالی و مقطعی کشانده است.

این پیروزی بزرگ در حلب، تولیدکننده مفاهیم مختلفی است که در عرصه‌های راهبردی پیامدهای خود را به جای می‌گذارد. در بین این مفاهیم که باید در زمانی مناسب مورد بحث و بررسی قرار گیرد، حداقل پنج مفهوم راهبردی از آزادی حلب و شکست پروژه تروریستی در سوریه تولید می‌شود که بدان اشاره می‌کنیم:

1- مفهوم نظامی:

جنگ حلب شرقی که دشوارترین شرایط و پیچیدگی‌های جمعیتی و جغرافیایی و رزمی را در برداشت، توان نظامی، متدهای جنگی، انگیزه‌های جهادی‌گری گروه‌های تکفیری، جنگ‌افزارهای اهدایی غرب و ترکیه و اسرائیل و قابلیت‌های پایداری و حفظ تروریست‌ها را در بالاترین سطح آن به چالش کشیده و در زمانی کوتاه نابود کرده است. بدیهی است که تجربه جنگ شرق حلب، در سطحی تکامل یافته و مؤثرتر در نقاط باقیمانده از تروریست‌ها به کارگیری می‌شود و در مینوی سقوط و شکست تروریست‌ها را در زمانی کوتاه‌تر در دسترس قرار می‌دهد. حضور کارشناسان نظامی و اطلاعاتی ناتو، کشورهای غربی و ترکیه در جنگ حلب، که امکان پایداری تروریست‌ها را تضمین نکرد، به معنای فقدان کارآمدی و بن‌بست در سطح مستشاری آنها به تروریست‌ها است. اگر در رقه که مشاوران نظامی و اطلاعاتی ترک و در ادلب که مشاوران نظامی و اطلاعاتی و رسانه‌ای غربی و ترک و ارتجاع عرب در آن حضور دارند، مهم‌ترین نقاط باقیمانده از تجمع تروریست‌ها باشد، کابوس حلب، برای آنها و اتاق‌های جنگ در ترکیه و اردن، آزردهنده خواهد بود. تجربه روش‌های رزم و جنگ در حلب که ترکیبی از روش‌های کلاسیک، جنگ شهری و پارتیزانی و جنگ‌افزارهای مدرن بود، مبنای درس نظامی در آکادمی‌های نظامی جهانی خواهد بود.

2- مفهوم سیاسی:

دیپلماسی و سیاست‌ورزی را ادامه تلاش‌های جنگی می‌دانند و روی دیگر سکه جنگ و تکامل‌دهنده آن است که باید، ثمره اقدامات جنگی را به نتیجه برساند. به همین دلیل، بین ظرفیت‌های سیاسی و دیپلماتیک و ظرفیت‌های نظامی، یک منطق مستقیم برقرار است و آنکه در میدان و جنگ دست برتر دارد، در صحنه سیاسی و دیپلماتیک نیز، قواعد را تعریف می‌کند و نتایج را ترسیم خواهد کرد.

جنگ نیابتی و تروریستی غرب در سوریه، براندازی نظام‌های سیاسی از طریق جنگ بدون حضور ارتش‌های نظامی بود که مبنایی برای نظام‌سازی منطقه‌ای توسط آمریکا هدف‌گذاری شده بود.

این رقبای مداخله‌گرانه برای براندازی نظام‌های مستقل و نظم منطقه‌ای مطلوب آمریکا به چالش و بن‌بست رسیده و به همین دلیل که خواستار مذاکرات سیاسی بدون پیش‌شرط، توقف جنگ و اقدامات انساندوستانه هستند. همانگونه که در میدان نظامی شکست خورده و ناکام هستند، قاعده بازی سیاسی و دیپلماتیک نیز در دست آنها نیست و نمی‌توانند به نتیجه و روش خاصی از پرسه سیاسی اصرار ورزند.

3- مفهوم امنیتی:

اولین پدیده امنیتی ناشی از شکست در حلب، واگرایی و تضاد درونی و اتهام به خیانت در بین گروه‌های تروریستی است و یا در بین آنها و حامیان خارجی می‌باشد. حاصل این مفهوم در بین تروریست‌ها، پس از منازعه و جنگ و درگیری امنیتی داخلی، ائتلاف‌های جدید است که صحنه را شفاف‌تر می‌کند.

در بهنه سرزمینی سوریه که هزاران گروه کوچک و بزرگ سامان یافته بودند، اکنون پنج طیف اصلی شکل گرفته‌اند که باید منتظر شکاف طیف تروریست‌های موجود در ادلب باشیم. داعش در شرق و شمال شرق، گروه‌های دست‌آموز ترکیه در شمال حلب که از یکسو برای معامله‌پذیری کلان و سیاسی نقش‌آفرینی می‌کنند و یا در لحظات پایانی بحران سوریه، سرکوب و متواری می‌شوند و جریان‌های هم‌پیمان القاعده با محوریت جبهه النصره و یا جفش که در ادلب و شمال غرب حماه استقرار دارند و اخبار روزانه از دیگری مدام و ترور و اقدامات انتحاری آنها بر علیه یکدیگر حکایت دارد. این فضای امنیتی، پس از شکست در حلب بیشتر خواهد شد و در دو دسته افراطی و افراطی‌تر را تولید می‌کند در غوطه شرقی و بخش‌هایی از درعا، گروه‌های دست‌آموز وهابی - تکفیری هستند که آل‌سعود حامی آنها است و در آخرین طیف، در جریان داعش و النصره اسرائیلی در قنيطرة و جولان را داریم که قرار بود نقش نوار امنیتی برای اسرائیل را بازی کنند و سطح بنیه نظامی آنها فقط ایذایی است و قابلیت تغییر وضعیت در این محورها را ندارند.

فضای امنیتی حاکم بر تمامی این طیف‌های پهن‌گانه، دلهره و نگرانی و رویکردهای دفاعی است و حفظ ظرفیت‌های خود را در اولویت دارند تا هرچه زودتر به دستاورد سیاسی تبدیل کنند.

به همین دلیل رویکرد مرحله‌ای آمریکا، سعودی، غرب و اسرائیل و ترکیه بر حفظ این ظرفیت، توقف حملات به تروریست‌ها و آغاز دور جدیدی از مذاکرات سیاسی قرار گرفته است و قادر نیستند، ظرفیت‌های موجود را در میان‌مدت و بلندمدت حفظ کنند و به همین دلیل است که شعار غرب و ترکیه در این مرحله این است که با مظلوم‌نمایی و وارونه کردن

تصویر تروریست‌ها، آنها را «شهروند مسلح» معرفی کنند و سرکوب تروریست‌ها را جنایت جنگی بنامند!!

4- مفهوم رسانه‌ای:

از ابتدای بحران تروریستی در سوریه، الجزیره و BBC و سپس العربیه و پس از آن شرکت‌های عظیم رسانه‌ای غرب، مسئولیت جنگ نرم، فریب، وارونه‌سازی حقایق، اولویت‌سازی و مظلوم‌سازی تروریست‌ها و فشار به حامیان سوریه را به عنوان یک پروژه بزرگ رسانه‌ای عهده‌دار شدند.

شکست این امپراتوری رسانه‌ای فقط در حلب و سوریه نیست بلکه حتی بر روی آوارگان سوری حاضر در غرب و دیگر کشورها نیز خاصیت اثرگذاری قدرت آخرین تولید نکرده‌اند. صدها هزار آواره سوری در لبنان در انتخابات ریاست جمهوری دو سال قبلی به بشار اسد رأی دادند و از آن هنگام با قطع کمک‌های بشردوستانه!!! سعد حریری، عربستان و سازمان ملل روبه‌رو شدند و واکنش‌های شادی آوارگان که پس از پیروزی در حلب شرقی اتفاق افتاد، در عربستان و کشورهای اروپایی موجب قلع و قم و سرکوب دستگاه‌های حاکم در این کشورها شد. این امپراتوری‌های رسانه‌ای، هیچ‌یک از شادی‌های هزاران شهروند سوری در حلب و دیگر مناطق را پوشش ندادند و بالعکس به تجمع چند صد نفری و چند هزار نفری تکفیری اخوانی در استانبول و در مقابل مراکز دیپلماتیک ایران و روسیه پرداختند. هزینه‌های میلیاردری صدها رسانه حامی تروریسم به آخر خط رسیده و ناکارآمد هستند و پایان یافتن ذخایره ارزی سعودی‌ها و قطری‌ها، ناقوس شکست رسانه‌ای را نیز سر داده است.

نکته مهم این است که اگر تعداد رسانه‌ها و امپراتوری رسانه‌ای بی‌شمار نیز در پروژه تروریستی نقش بازی کرده‌اند ولی روش و مسیرهای اثرگذار در افکار عمومی منطقه‌ای و جهانی، کارآمدی مبتنی بر حقایق را ثبت کرده‌اند.

5- مفهوم شکست پروژه تروریستی غرب:

ترامپ که یک تاجر و غیر سیاستمدار است بر ضرورت توقف راهبرد براندازی و مداخله‌گری تأکید می‌کند و آل‌سعود که وارد دوره ریاضت اقتصادی شده و قطر 250 هزار نفری، با کسری بودجه 7.7 درصد در سال جاری روبه‌رو است و ترکیه با رشوه‌های اهدایی روزگار می‌گذارند و نظام پلیسی و امنیتی سرکوب را برای عبور از مرحله انتقالی فعلی در دستور کار گذاشته است و شریک روسیه برای توقف جنگ و یا پروسه سیاسی جدید در سوریه شده است، همگی به عنوان شاخص‌هایی هستند که در کنار قهقراپی تروریست‌ها در داخل سوریه، بر شکست پروژه غرب دلالت می‌کنند و پارامترهای راهبردی دوره «پس از حلب» را می‌سازند.